

Saturday, October 12, 2024

گذرگاه خطرناک تاریخ

قسمت - چهل و یکم

تبصره : {باتکرار و تاکید بایدگفت وقتی امریکا و یا انگلیس و کشورهای اروپایی را نام می بریم ، منظور از حکومت های آن است ، نه خلق های آن سرزمین ها ؛ چون حکومت های جهان غرب امپریالیستی توسط سرمایه داران و ستاد های مخوف پنهان توطئه گرسرمایه داری و استعمار تشکیل گردیده است . سه بازوی اساسی آن کانون های مخوف پنهانی عبارت از نمایندگان برگزیده فرماسیونری ، کنگره صهیونیسم و ابرسرمایه داران آن کشورهای همسو هستند . }

زمانی که بحث از حکومت ها به ویژه حکومت های سرمایه داری امپریالیستی است مردم آن سرزمین ها کوچکترین نقشی در ساختار و اداره و مدیریت آن ندارند . حکومت ها با تشکیلات بسیار سنگین ارتش ، پلیس و سازمانهای اطلاعاتی مخوف و مدرن مجهز اند ، سخن از مردم و اراده ای مردمی یک شوخی و تمسخری بیش نیست . پارلمان و قوه قضائیه یک ساختار نمایشی و در نهایت بازوی حکومت های سرمایه داری و حکومت های دنباله روسرمایه داری می باشد . به ویژه حکومت های امریکا ، انگلیس و اروپا . حکومت در جهان سرمایه داری توسط سرمایه داران ، تراست ها و بانگ ها و کارپرشن ها از برگزیدگان و نخبه گان بورژوازی تشخیص و تعیین می گردد و انتخابات یک بازی عوام فریبی بیش نیست . گروهها و احزاب بورژوازی با انتخاب نام های بسیار رنگین و پرطمطراق خود را به نمایندگی از جامعه معرفی می نمایند . بطور نمونه « حزب کارگران انگلیس ، استرلیا ، المان و دیگر کشورها » (!) آیا این ها نماینده ای کارگران کشورهای شان اند؟! نه به هیچ صورت . این ها بورژوازی و مدافع منافع سرمایه داری اند . کوچک ترین ارتباطی با طبقه کارگر کشورهای شان ندارند . مردم دار و الگوی حکومت های سرمایه داری دولت امریکاست . این دولت با همه تشکیلات نظامی ، اطلاعاتی و نهادهای مرتبط آن نیروی اجرایی اند و از مرکز فکری مافوق سری (حکومت پنهان جهانی) دستور پذیر است . باتکرار باید گفت که حکومت پنهان متشکل است از نمایندگان ستاد فراماسیونری ، کنگره صهیونیسم و برگزیدگان تراست ها و مجتمع نظامی صنعتی به اضافه و اتکان . بعد از فروپاشی اتحاد شوروی نهاد جدیدی به آنها اضافه شد بنام

»

Project for the پیروژه ای برای سده امریکای جدید «

New American Century – (PNAC

(بنیان گذاری : اوایل سال ۱۹۹۷

بنیان گذار : بیل کریستول ، رابرت گاگان .

مکان : واشینگتن دی . سی .

کارگردانان : ویلیام کریستول ، رابرت گاگان ، دوون گافنی کراس ، بروس جکسون و جان آر بولتون .

اعضاء :

در سال ۲۰۰۰ اعضای پی . ان . ای . سی ، شامل افراد زیر بودند :

* - دیک چینی و همسرش لین چینی .

* - لوئیس لیبی .

* - دونالد رامسفلد .

* - پل ولفوویتس .

* - الیت ایبرامز ، سرپرست بخش خاورمیانه شورای امنیت ملی امریکا .

* - جان بولتون .

* - ریچارد پیرل ، ویلیام کرسستول ، جیمز وولسی رئیس سابق (سیا) نورمن پادهورتز و بروس جکسون

معاونین پیشین شرکت لاکهیدمارتین .

این گروه قرن بیست یکم را قرن امریکا نامیدند و به دولت پیشنهاد افزایش بودجه نظامی را دادند .

و تاکید به تغییر رژیم های قبلاً نزدیک به اتحاد شوروی و پاک سازی این کشورها از نهادهای ایدئولوژیک

متمایل به اتحاد شوروی و جنگ افزارهای ساخت روسیه و تعدیل ساختار اقتصادی و خصوصی سازی .

تصمیم بر سرکوب هفت کشور توسط امریکا در خاورمیانه مطرح شد : « این هفت کشور به نوعی با

اتحاد شوروی وقت ارتباط داشته و یا از او امر امریکا سرپیچی می کنند و نام آن کشورها را گذاشتند روک

سنتید یا کشورهای سرکش ، هفت کشور در این شمار می آمد .

آقای وسیلی کیلارک که زمانی رهبر ناتو در اروپا بود ، موقعی که در برنامه دموکراسی نومصاحبه کرد

با گودمن گفت ؛ در ۲۰۰۱ من رفتم به پنتاگون ، بعد یک افسری دیدم باهم احوال پرسى کردیم ، او گفت

برو پایین می خواهند با تو صحبت کنند . بعد رفتم پایین یکی از این افسرها مرا کنار کشید ، گفت می دانی ما

می خواهیم به عراق حمله کنیم . گفتیم که عراق در حادثه ۱۱ سپتامبر هیچ ارتباطی نداشته ، برای چه؟ گفت

تو اطلاع نداری ، ما می خواهیم هفت کشور را از پا در بیاوریم در پنج سال آینده و رفت یک یادداشت از

کشوی میزش بیرون آوردنشام دادو تاکید کرد که این یادداشت مافوق سری است . این هفت کشور عبارت

اند از: عراق ، سوریه ، لبنان ، سومالی ، سودان ، لیبی و ایران به علاوه افغانستان . افزود : هیئت حاکمه

امریکا آماده پیاده کردن چنین برنامه است . « ۱

امریکا افغانستان ، عراق ، سوریه و لیبی را به خاک و خون کشانید و ده ها هزار تن بمب روی این

سرزمین ها پرتاب کرد و باعث قتل و کشتار اطفال و زنان و مردان غیر نظامی گردید ویرانی های بی

شماری بوجود آورد . بدتر از همه پرتاب کردن بمب های حاوی اورانیم ضعیف شده و فاسفرباعث امراض

لا علاج و کشنده مردمان این سرزمین ها گردیده است . در مدت بیست سال اشغال افغانستان امریکا و ناتو

انواع سلاح های کشتار جمعی را مورد آزمایش قرار دادند و بمب دو هزار تنی را در افغانستان بالای محل

زندگی مردم پرتاب کرد و در مدت بیست سال جنایت در افغانستان چهره کثیف یانکی های سادیست حاکم در

امریکا و جنایت کاران ناتو و غربی های شارلتان نشان داده شد . انگلیس انتقام شکست نکبت بار خود را

در جنگ افغان انگلیس گرفتند و تمام کارنامه های جنایت بار امریکا ، انگلیس و کشورهای اروپایی متمدن

نما برای مردم عذاب کشیده و زخمی افغانستان و مردم آگاه جهان معلوم شد و مردم جهان درس خود را

گرفتند و دیگر فریب دروغ های آن ها را نمی خورد . به فرموده ای پروفیسور داکتر احسان نوذری : « ما در دام یک مثلث شیطانی هستیم که یک ضلع آن شرکت های بزرگ و در ضلع دیگر نهاد های امنیتی و اطلاعاتی و در ضلع سوم رسانه ها است ؛ که پنجصد میلیون دالرسالانه تنها خرج رسانه های فارسی زبان می کنند ... » ۲

بلی ، چنین است ، استعمارگران دیروز و غارت گران امروز با چنگ و دندان برای کسب بیشتر ثروت و تسلط کامل بر منابع معدنی به ویژه نفت از هروسیله ای استفاده می نمایند ، چون رسانه ها و از مجراهای مختلف ، منجمله نظامی . این رسانه ها مبلغ طرح و توطئه های امپریالیست ها اند . البته رسانه های هم هستند که انعکاست دهنده واقعیت های جامعه و جهان است .

بافروپاشی اتحاد شوروی محاسبه کانون توطئه های ضد بشری بر این قرار گرفت که دیگر امریکا در راس قدرت جهانی قرار دارد و تسلط کامل آن بر جهان تحقق پذیرفت . بعد از این تمام منابع نفتی و معدنی بر اساس اراده امریکا مدیریت و کنترل گردد . بافروپاشی اتحاد شوروی پایان جنگ سرد محقق شد و دیگر مهار کمونیسم جای خود را به مهار تروریسم می دهد . هر کشوری که از دستور امریکا سرپیچی نماید یا تروریست و یا حامی تروریسم شناخته می شود . برای کنترل خاورمیانه به ویژه مناطق نفت خیز و دارای معادن پایه از قبل نیروی ایدئولوژیک اسلام سیاسی را داریم که بسیار خوب علیه کمونیسم استاندند و مبارزه و جنبش های کمونیستی و چپ را در آسیا و افریقا سرکوب و از قدرت گیری کنار زدند . اخوان المسلمین در مصر در برابر ناسیونالیسم عربی جمال عبدالناصر خوب کار کرد و همچنان در سایر نقاط خاورمیانه ، منجمله تشکیل تنظیم های جهادی افغان در پاکستان و پرداخت هزینه های جنگجویان توسط عربستان و کشورهای خلیج علیه دولت ملی دموکراتیک افغانستان ، برای امپریالیست ها یک دست آورد محسوب شد ، در صورتی که اگر خیانت خودی درون حاکمیت ملی دموکراتیک افغانستان نمی بود ، گروه های جنگجوی نیابتی امریکا هرگز پیروز نمی شد . لشکرهای نیابتی با تفکر بنیاد گرایی اسلامی برای خوش خدمتی به امریکا و شرکای وی باعث تخریبات منابع مردمی گردید . باره گیری کاروان های مواد غذایی و تخریب پل و پلچک ها و کشتار زن و اطفال به مردم افغانستان آسیب رسانیدند .

سناریوی ۱۱ سپتامبر :

این موضوع گرچه تکراری است ، اما موضوع ۱۱ سپتامبر تعلق می گیرد به سناریو سازی امپریالیسم امریکا برای تسلط کامل بر جهان و سرکوب هرگونه اندیشه ای مترقی و چپ در جهان به ویژه در خاورمیانه بوده و می باشد . نگارنده سناریوی ۱۱ سپتامبر را در کتابی بنام « شمه ای از جنایات امریکا در آسیا » شرح داده ام ، اما باز هم لازم به تذکر است .

۱- چطور امکان دارد که چند تن عرب در امریکا وارد شود و تعلیمات خلبانی بگیرد که (سیاه و ۱۶ زیر مجموعه های آن و سرویس های اطلاعاتی خارجی ائتلاف امریکا مانند ام ۱۶ انگلیس ، موسسات اسرائیل اطلاع نیابد .

۲- به چه دلیل ۴۰۰۰ کارمندان یهودی برج ها آن روز بر سر کار شان نرفتند ؟

۳- از لحاظ انجمنی ساختمانی زمانی که هواپیما به قسمت بالایی برج کوبیده می شود ، چرا برج ها از تهداب منفجر می شود .

۴- چرا ساختمان شماره هفت که دور از محل حادثه بوده و هیچ وسیله ای به آن اصابت نکرده بود فرو ریخت ؟

« رائل ماهاجان » نویسنده و پژوهشگر در مقاله ی این چنین نگاشته است : « گفته می شود که جهان در روز ۱۱ سپتامبر عوض شد . این پیام فقط مربوط به هذیان گویی های تب الود رسانه های جمعی نیست . همان گونه که بعضی مورخین سالهای میان ۱۹۱۴ تا ۱۹۹۱ را « قرن بیستم کوتاه » خوانده اند ، بسیاری نیز اکنون ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را آغاز قرن بیست و یکم می خواند . آیا چنین ارزیابی درست از آب در خواهد آمد یانه ، امانی شود آن رابه سادگی رد کرد . کافی نیست گفته شود که هواپیما ربایان مثنی افراطی مذهبی بوده اند ، گرچه بوده اند . ماعلاوه بر همه ی این ها باید بدانیم که ایالات متحده در ترویج و گسترش مذهبیون افراطی چه نقشی بازی کرده است ؛ چه به طور مستقیم مثل کمک به مجاهدین افغانستان و چه غیر مستقیم با نابود کردن دیگر آلترناتیوها از طریق حمله ی بی امان به نیروهای چپ و تعقیب سیاست های که خشم و نارضایتی مردم را بر انگیزد . « به ادامه در مورد شعار بوش می نویسد : « یا با ما هستی یا با تروریست ها » به حق چنین قطب بندی به جهان با هدف ترساندن هر آن کس که مخالف شیوه ی برخورد دولت امریکا باشد ، یک منطق استبدادی و حتی منطق انسان کش جمعی بوده است . جنبش ضد جنگ ، که حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر را همراه با حمله جنایت کارانه دولت امریکا در افغانستان محکوم می کند . واقعیت این است که مردم افغانستان هنگام حمله به مرکز تجارت جهانی به هیچ رو از آن راه دور نمی توانستند که تهدیدی علیه ایالات متحده باشند چرا که نه موشک های میان قاره ای داشتند و نه بمب افکن های دور پرواز . خطر عاجل ، از سوی تروریست های بود که از قبل ساکن ایالات متحده و اروپا بودند . « ۳

تروریسم :

تروریسم ریشه ای بسیار کهن دارد . تروریسم را می توان بر دو نوع ارزیابی کرد . تروریسم سازمان یافته و تروریسم غیر سازمان یافته . مورد بحث این نگارش ترور های سازمان یافته است که بانی و مبتکر آن سرمایه داری غرب بطور عمده به مردم داری انگلیس و امریکا و شرکای آن المان و فرانسه بوده است . انگلیس بعد از اشغال امریکای شمالی با سازمان دادن ترور سازمان یافته به منظور پاک سازی سرزمین امریکای شمالی ۱۱۰ میلیون مردمان بومی مناطق اشغال شده را شکار کردن و از میان برداشتند . همچنانی که بعد انگلیس بومی های آسترلیا را شکار کردند و جزیره را از بومی های آن پاک ساختند . به این ترتیب ننگین ترین جنایات و ترور های سازمان یافته بر تارک تاریخ انگلیس و بعد امریکا که همان اشغال گران انگلیسی و اروپایی بودند ، قرار گرفت . با این پیشینه ای تاریخی جنایت بارنوبت به خاورمیانه رسید که سرمایه داری اروپایی به مردم داری انگلیس برای غارت ثروت های طبیعی و اجتماعی خاورمیانه باجنگ و ترور و تجاوز و اشغال پرداختند . برای این که تسلط کامل بر سرزمین های خاورمیانه و ثروت های طبیعی آن منجمله نفت داشته باشند و این اشغال و سلیط را استمرار ببخشند ، با استفاده از احساسات دینی و مذهبی و باور های مردمان خاورمیانه ایدئولوژی سازی کردند و با تأسیس شعبه های بنیاد گرایی بحیث یک وسیله باز دارنده و همیشه در صحنه بنام اخوان المسلمین را بوجود آوردند . « رابرت دریفوس » نویسنده « بازی شیطان » مینویسد : « پس از جنگ جهانی اول ، بریتانیای کبیر در کوشش برای باقی ماندن بر اریکه ی امپراتوری جهان ، با شیاطین بسیاری معامله کرد » (ص ۸۰)

به ادامه می نویسد : « در سال ۱۹۲۸ ، در مصر ، طلبه ی جوانی به نام « حسن آل بنا » اخوان المسلمین را بنیاد نهاد و هم‌تای فلسطینی او هم « حاج امین الحسینی » مفتی عوام فریب اورشلیم بود . » (ص ۸۰)

« اخوان المسلمین حسن آل بنا ف با بذل و بخشش انگلیس کانال سوئز تا سیس شد و سرویس اطلاعاتی انگلیس ایم ۱۶ و ملک فاروق پادشاه انگلیسی قاهره ، از این سازمان اسلامی به عنوان چماقی علیه کمونیست ها و ناسیونالیست ها و بعد علیه جمال عبدالناصر ، استفاده کردند . » (ص ۸۱) ۴

استعما و بعد سرمایه داری امپریالیستی امریکا همچنان بعد از پیروزی انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ ، در روسیه و بعد از این که در لشکرکشی و جنگ علیه اتحادشوروی در جنگ داخلی غرب شکست خوردند و امریکا جنگ سرد را علیه اتحاد شوروی آغاز کرد ، اخوان المسلمین و دیگر گروه های بنیاد گرای اسلامی لشکر نیابتی امریکا و سرمایه داری غرب بود . امپریالیسم امریکا و شرکای غربی وی با استفاده از بنیاد گرایی اسلامی تروریسم سازمان یافته را برای سلیط بر خاورمیانه ادامه دادند . در این زمینه از سرمقاله ۱۱ سپتامبر « آلن گرش » چنین می خوانیم : « « آزادی خلل ناپذیر » ، با تکیه بر این شعار به همان اندازه پرزرق و برق که بی محتوی بود که رئیس جمهور امریکا جورج دبلیو بوش در اکتوبر ۲۰۰۱ با حمله بر افغانستان « جنگ علیه تروریسم » را آغاز کرد . او در مقابل کنگره امریکا توضیح داد : « آن ها از آنچه در این کنگره می بینند متنفرند ، یک دولت منتخب که به صورت دموکراتیک به قدرت رسیده است . آن ها از آزادی های ما متنفرند ؛ آزادی مذهبی ، آزادی بیان ، آزادی رای دادن و تجمع و آزادی مخالفت با عقیده یکدیگر ؟ » به ادامه : « جامعه بین المللی خود خوانده ، که در واقع به دولت های غربی تقلیل یافته بود ، نمی توانست به چنین اظهارات جنگی ای نپیوندد . مانیم نگاهی به گزارش بانک اطلاعاتی تروریسم جهانی (گلوبل تروریسم داتابیس) دانشگاه مریلند ، می توان آشفته اندیشی غالب را در این زمینه مشاهده کرد . این نهاد فهرستی از « حملات تروریستی » در سراسر جهان با اطلاعات جالب فراوانی در مورد مناطق اصلی بی ثباتی ارائه می دهد ، البته جای تعجب نیست که یمن ، افغانستان و عراق در صدر فهرست قرار گرفته باشند . » وی به ادامه می نویسد :

« خرابکاری که خود را مصلح می انگارد »

خلبان خود خوانده سفینه بشریت که برای خود وظیفه هدایت آن به راه راست را تعریف کرده است ، غول بی رحمی که نه تحریم بلکه « مجازات » می کند ، جهان اولی که نه باجهان سوم و نه با جهان چهارم گفتگو نمی کند بلکه متکلم واحده است و هرکسی را که به زبان اوصحبت نکند ، تحقیر می کند . خرابکاری که خود را مصلح می انگارد ، به محض این که در جایی منفعت خود را دید تمام اصولی را که مدعی آن است زیر پا میگذارد . از دو دهه گذشته ، غرب مشروعیت و حقوق بین الملل را نیز باخته است . از زندان گوانتاناموتا زندان ابو غریب ، از مداخله غیر قانونی در عراق تا تقلب در انتخابات افغانستان ، از حمایت دیکتاتور مصر تا بی اعتنایی به حقوق فلسطینیان ، پاکی و خلوص اصول ادعایی اش ، حقوق بین المللی حقوق بشر ، حق مردم برای تعیین سرنوشت خود ، دفاع از حقوق بشر با واقعیت عمل کرد بی حرمت شده است . ناکامی امریکا در افغانستان که بسیاری از کشورهای اروپایی در آن شریک بودند ، که حتی حق هیچ گونه اظهار نظری نداشتند . « در آخر می نویسد : « تا زمانی که « غرب » تروریست تولید کند سوء قصد ها ادامه خواهند داشت . بیست و چند سال بعد از آغاز « جنگ علیه تروریسم » توسط ایالات متحده و پیروی شده توسط اغلب کشورهای غربی از جمله فرانسه . شمار حملاتی که تروریستی توصیف می شود بیش از پیش افزایش می یابد . آیا زمان آن نرسیده که « غرب » در مورد مسئولیت هایش از خود

پرسش کند و در مورد نا کار آمدی « راه حل های » پلیسی و نظامی علیه نیروهای جهادی بیندیشند
و مسئولیت خود را در « تولید تروریست ها » بپذیرند ؟ » ۵

در زمینه های مربوط به تروریست و تروریست پروری سران و سلاطین سرمایه داری امپریالیستی
امریکا از هر نویسنده غربی و خارج از حوضه ای خاورمیانه ای پژوهش گران منطقه بهتر از کارکرد این
پدیده ضد بشری و تمدن اشراف دارند . سال هاست که گروه های تروریستی در منطقه توسط سازمان
جهنمی (سیا) بوجود آمده و اکمالات می شود . سران سیاه و دولت امریکا برای شکست دولت های ملی و
دموکراتیک منطقه خاورمیانه از بنیادگرایان مذهبی استفاده کردند ، چنانچه علیه جمهوری ملی دموکراتیک
افغانستان در خاک پاکستان ترور پرور گروه های جهادی ایجاد کردند و آنان را تمویل و تسلیح نمودند و برای
خرابکاری به افغانستان سوق و اداره نمودند .

جزئیات تسلیح و سوق اداره ای گروه های تروریستی را در افغانستان ، نویسندگان و ژورنالستان این
کشور بهتر و دقیق تر از هر نویسنده خارجی می دانند و نوشتند و می نویسند .

این که سران و سلاطین امریکا خود را به حیث مدافع دموکراسی و حقوق بشر و غیره القاب از این
قبیل وانود می نمایند یک دروغ بزرگ است . حال جهان ، بویژه خاورمیانه ای ها و حتی سازمان های
مذهبی و جهادی هم می دانند که امریکا دروغ می گویند ، چنانچه حزب الله در لبنان ، انصار الله و دیگران
بطور کامل دریافته اند که امپریالیسم امریکا دشمن بشریت و ملت و دولت های خاورمیانه ای هستند .
امریکا تسلط کامل بر منابع و جوامع جهان به ویژه خاورمیانه که سرشار از منابع و ذخایر معدنی دست
ناخورده است ، می باشند . امریکا ۸۰۰ پایگاه نظامی در خاورمیانه و جهان علاوه بر ناوهای جنگی هواپیما
بر و صدها شبکه های جاسوسی و رسدگر انترنیتی دارد . بنا بر آن تازمانی که این اختاپوس از روی زمین
زدوده نشود ، جنگ و کشتار و تروریسم سازمان یافته ادامه خواهد داشت . دامه دارد----

منابع :

- ۱ - داکتر مرتضی محیط ، در برنامه تلویزیون افغان ، ۲۷ اپریل ۲۰۲۴ .
- ۲ - داکتر احسان نوزری ، در تلویزیون دانش ، بینش ، آزادی ، با داکتر حبیب ریاضتی ، ۲۰
دسامبر ۲۰۲۴ .
- ۳ - رائل ما ها جان ، جهاندوین ، جنگ امریکا علیه تروریسم ، برگردان فارسی: داکتر مرتضی محیط
- ۴ - فبروری ۲۰۰۲ ، برگرفته از مانتی ریویو .
- ۵ - رابرت دریفوس ، بازی شیطان ، برگردان فارسی : فریدون گیلانی ، (ج ۱-۲) تهیه و ترتیب : قاسم
آسمائی ، انتشار: راه پرچم ، ۲۰۲۰ .
- مارک شرلوپرن ، تولید تروریست ، برگردان فارسی ک شهپازنخعی ، ۲۱ سپتمبر ۲۰۰۱ .